میزگرد با حضور کامبوزیا پرتوی، ابوالحسن داودی و عزیزالله حمیدنژاد

از ماست که بر ماست

الهه خسروی

بخش اول

اینکـه وضعیت سـینمای ایـران در این یک سـالی که گذشـته چگونه اسـت، چـه اتفاقاتـی در آن افتاده، اولویت‌هایـش تغییـر کـرده یا نـه، چه مسـائلی در آن پررنگ شده است، نکته‌هایی نیست که بتوان درباره‌اش به راحتی نظر داد. شاید به همین خاطر بود که ابوالحسن داودی، کامبوزیا پرتوی و عزیزالله حمیدنژاد سعی کردند از زاویه دیدهای متفاوتی به این مسائل نگاه کنند. حضور عزیزالله حمیدنژاد به خاطر یکسری ناهماهنگی‌ها با تاخیر انجام شد و به انتهای این میزگرد رسید. پس از ورودش خلاصه‌ای از مطالب مطرح‌شده را برایشان مطرح کردیم. اما بعد از خواندن میزگرد به این نتیجه رسیدند که مطالب زیادی برای گفتن دارند و نکته‌هایی درباره مافیای اکران دارنـد که باید حتماً گفته شـود. چون اینها بیان نشـده است پس بهتر است کل سخنان‌شان حذف شود. ما آماده هرگونه مصاحبه و انتقال نظرات‌شان بودیم و هستیم. فکر می‌کنیم نظراتی کـه حمیدنژاد در این میزگرد بیان کرد حاوی نکته‌های روشـن‌کننده‌ای است. شاید مهم‌ترین نکته‌ای که در این میزگرد مورد تاکید کارگردانان حاضر بود، یکی طرح جدول‌بندی اکران از سوی دولت و دیگری معضلات خانه سینما باشد. معضلاتی که ابوالحسن داودی معتقد اسـت کـم‌کاری و عدم اتحاد سـینماگران باعث شـکل‌گیری‌اش شده و کامبوزیا پرتوی می‌گوید ناشی از دولتی بودن سینما است. باقی موضوعات را می‌توانید در گزارش مشروح این نشست بخوانید.

–خیلی‌هـا می‌گویند ارزیابی ما از شـرایطی که امروز بر سینمای ایران حاکم است ارزیابی بدبینانه‌ای است. یعنی ما نیمه خالی لیوان را می‌بینیم. به نظر شما واقعا در حال حاضر چه شرایطی بر سینمای ایران حاکم است؟

داودی: راستش را بگویم من هم تفاوت چندانی با شما ندارم. یعنی تحلیل سرراسـت و مشخصی از اوضاع و قضایا نمی‌توانم ارائه دهم چون هم به لحاظ کاری از سـینما دور افتاده‌ام و هم شـرایطی برایم پیش آمده که ترجیح دادم فعلاً تا آن شـرایط حل نشـود فاصله خودم را با سینما حفظ کنم. اما واقعیت این است اتفاقاتی که در سینما می‌افتد کمی تحت تاثیر شرایط کلی جامعه اسـت. آن ابهامی که در سرنوشت خیلی از فعالیت‌های شـغلی و صنفی وجود دارد در مورد سـینما هم هست و البته محدودیت‌هایی که اعمال می‌شود نیز تاثیرگذارند. چه شرایطی که از بیرون کشور اعمال می‌شود و چه محدودیت‌هایی که داخل وجـود دارد، جدای از این بدبینی‌هایی که در طول دوره بعد از انقلاب اصولاً در همه جریان‌های حاکم نسـبت به سینما وجود داشته و دارد و این بدبینی هیچ وقت یادم نمی‌آید درمان شده باشد. شاید در یک دوره‌هایی میزان یا ماهیتش دچار تغییر شده باشد ولی اصولاً این بدبینی نسبت به جامعه سینمایی همیشه وجود داشته است. خود من در تجربه صنفی‌ام حداقل سه چهار سال در ارتباط مستقیم با دولت بودم و می‌دیدم اصل اولی که باعث می‌شود جریان صنفی و بدنه اصلی سینما نتواند با جریان حاکم و بخش فرهنگی دولت ارتباط برقرار کند و به یک تئوری مشترک برسد، همین مساله است. آن چیزی را که من حداقل در طـول تجربه‌های مختلف خودم درک کـردم در درجه اول همان بدبینی اسـت. یعنی آن دوجنسی بودن آدم‌هایی که چه در جریان صنف قرار داشتند و چه در جریان حاکمیت فرهنگی. هیچ وقت خودشان را از یک جنس ندیدند. حتی در زمانی که از بدنه سـینما مرحوم سیف‌الله داد به این سمت رسید باز هم آن تفاوت نگاه دولتی با نگاه صنفی خودش را آشـکار کرد. این را برای آنهایی می‌گویم که فکر می‌کنند ما همیشه نشسته‌ایم تـا بهانه بگیریم و غر بزنیم. این طور نیسـت. حتی در دوره‌ای که اکثر قریب به اتفاق سینمایی‌ها از آن به عنوان بهترین دوره یاد می‌کنند باز تجربـه‌ام به من می‌گفت همچنان تفاوت نگاه صنفی و نگاه دولتی نسبت به تصوری که از کلیت سینما هست وجود داشت و تاثیر خودش را روی روابط می‌گذاشت. به خاطر همین به نظرم چیزی که الان داریم همانی است که قبلاً بوده؛ همان بدبینی قبلی و همان جدا شـدن دو جریان اصلی سینما که اصلاً هم سیاسـی نیستند. این جور نیست که بگوییم بدنه سینما چپ است، جریان حاکم راست یا بر عکس. آن نگاهی که در کلیت سینما وجود دارد اتفاقاً خیلی نگاه یکدست و متحدی هم نیست اما تصوری که در سینما وجود دارد با تصوری که از سینما وجود دارد، متفاوت است. این تفاوت در دوره‌های مختلف سینمایی رنگ و لعابش تغییر می‌کند اما هسته‌اش همان چیزی اسـت که بود: بی‌اعتمادی دو جریان به هم. یعنی من معتقدم در هیچ دوره‌ای تلاش نشـد این سد بی‌اعتمادی شکسته شود. البته بیشـترین تلاش‌ها در دوران سیف‌الله داد انجام گرفت اما چندان ثمربخش نبود.

– خب پس در این صورت شـما سـینماگران باید به این نـگاه عادت داشـته باشـید و کامـلاً بدانید چطـوری از کنارش عبور کنید.

مقدار زیادی همین شـکلی است که شما می‌گویید. حتی می‌توانم بگویم یکی از قدرت‌های سـینمای ایران است؛ گذر از جاده‌های سنگلاخ. شاید آقای پرتوی بهتر بداند ولی در سینمای هیچ کشوری شما نمی‌توانید یک چنین مسیر پرپیچ و خمی و چنین دوگانگی را رد کنید و از موانع بگذرید. و اینکه چطور از این موانع رد می‌شـویم یک تجربه ۳۰ساله است. اولین چیزی که سینماگران ما یاد می‌گیرند عبور از همین موانع است. البته سـینماگران با تجربه ما یاد گرفته‌اند شرایط تحول جامعه را از این موانع جدا کنند چون در غیر این صورت دیگر ممکن است امکان کار برای امثال بنده و آقای پرتوی وجود نداشـته باشد. ولی به هر حال بخشـی از چیزی که توانسـته سینما را حفظ کند همین توانایی سینماگران در گذر از موانعی است که پیش روی‌شان است.

پرتـوی: اما یک نکتـه دیگر هم باید اضافه کـرد؛ اینکه ما همیشـه سعی کرده‌ایم دور بزنیم، آرام برویم، دیده نشویم ولی با همه این حرف‌ها می‌بینیم که نه... باز گریبان کارمان گرفته می‌شود. باز باید برویم توضیح بدهیم و قسم بخوریم که نه نگاه شما اشتباه و بدبینانه است. یعنی با تمام احتیاطی که می‌کنیم باز هم با مشکل مواجهیم.

– خـب ما کمتر دوره‌ای داشـتیم کـه در آن نامه‌ای مثل نامـه آقای کرم پور و سـینماگران آن هم بـا عنوان «ما نگرانیم» نوشته شود.

داودی: من آن نامه را خواندم. هیچ بدعتی در این نامه وجود ندارد. ما بارها در مراحل مختلف نگرانی خودمان را از وضعیت موجود اعلام کرده‌ایم. حتی مواردی که در این نامه آمده موارد جدیدی نیست. مواردی است که بارها به اشکال مختلف سر ما آمده. نه سانسـور چیز جدیدی است نه برخوردی که دوستان می‌کنند. شاید حتی بعضی از راه‌حل‌هایی که هیات حاکمه فعلی ارائه داده واقعاً از سـر دلسـوزی باشد. ما نمی‌دانیم. چون منی که دارم نگاه می‌کنم می‌بینم حداقل در جریان اقتصاد سینما شرایط آنقدر آشـفته است که ما در موضوعی مثل اگر اکران که بنـد ناف اصلی جریان سینما و به خصوص جریان سینمای مستقل است، مشکل داریم؛ سینمای مسـتقلی که بتواند با آبرو و حیثیت حرف خودش را در لوای قانون اساسی بزند ولی همیـن امکانات هم برایش به وجود نمی‌آیـد. این امکانات البته همه‌اش دولتی نیست بخش عمده‌ای از دلایلـی کـه باعـث شـده چنین وضعیتی در سـینما به وجود بیاید و همه از آن به عنوان مافیا یاد می‌کنند، دارد از بیرون به ما تحمیل می‌شـود. یعنی جریانی که الان در بده بستان‌ها و روابط زیرمیزی اکران سینما شکل گرفته واقعاً در بعضی نقاط فاسد جلوه می‌کند. یعنی شرایطی به وجود آمده که می‌توان گفت امکان بروز یک فیلم مسـتقل خوب که بتوانـد در رقابت عادلانـه با باقی فیلم‌ها اکران شـود، وجود ندارد. شاید علت اینکه می‌بینیم در یکی دو سال اخیر سینمای تجاری ما اینقدر سخیف شده فشاری است که از اقتصاد سـینما به ما وارد می‌شود. یعنی منی که از دور دسـتی بر آتش سینما دارم می‌بینم آدم‌ها خودشان تعیین‌کننده شرایطی‌اند که به وجود آمده اسـت. مثلاً اگر شما می‌بینید سال گذشته بازار زیر سـلطه کمدی‌های سـخیف در آمده، خب این حاصل کار بخشی از تهیه‌کننده‌های ما است. حاصل کار بسیاری از کسانی است که در اولین مرحله به شرایط حاکم بر سینما تن داده‌اند؛ شرایطی که اقتصاد بیمار آن را تحمیل کرده است. و هیچ نوع ایستادگی هم وجود نداشته و این عدم ایستادگی ناشی از نظام تهیه‌کنندگی ما است که دچار اضمحلال شده و به هیچ شکلی درمان نمی‌شود. چون چند آدم کله‌گنده هستند که روابط‌شان به همین اضمحلال وابسـته است. در حالی که خودشان را هم صنفی نشـان می‌دهند اما حیات‌شـان به این بستگی دارد که شرایط اکران شرایط بلبشویی باشد که امکان رقابت عادلانه را بگیرد و بیشتر تبدیل شود به یکسری بند و بسط‌ها بین آدم‌ها.

– پـس بـه نظر شـما نقش دولـت در ایـن زمینه خیلی کمرنگ‌تر است؟

نه، منظورم این نیسـت که نقش دولت کمرنگ است. شاید خیلی‌ها با این حرف من موافق نباشند اما همه تقصیرها را نباید گردن دولت انداخت. خودمان هم در این زمینه مقصریم. خود مـا هـم در آن جریانی که جزء حقوق مـان بوده - حقوقی که دولت حتی همین الان هم پذیرفته - تلاش نکردیم مسـیر را به شـکلی ادامه دهیم که به اتحاد منجر شود. مثلاً اتحاد میان جریان تهیه و تولید تا بتوانیم لااقل به خواسـته‌هایمان برسیم. نشویم یک نظام پاره‌پاره صنفی که هیچ کس سعی در درست شـدنش ندارد. ما فقط با چنگ و دندان توانسته‌ایم شاخه‌های مختلفی را که به وجود آمده حفظ کنیم.

–این مسائلی که شما عنوان می‌کنید ناشی از یک ساختار بیمار است. ولی این ساختار چیزی است که دولت آن را تعریف کرده است. خواه‌ناخواه آن تاثیری که روی نهادهای صنفی سینما می‌گذارد به حدی است که آنها را به ناچار به آشـفتگی می‌رسـاند. چون سـینمای ما که خصوصی نیست، دولتی است. سر تا پا دولتی است. شما به چنین چیزی قائل نیستید؟

نـه. در زمان آقای حیدریان هم این شـرایط حاکم بود. ما در خانه سـینما همیشه محدود به این بودیم که خودمان را بر اساس خواسته‌های وزارت ارشاد تعریف کنیم. این کنکاش همیشه وجود داشته است. شکلش عوض شده. ماهیت اصلی اما کار ما است که هیچ وقت به آن اتحاد لازم و - خودم را می‌گویم - به آن تعالی فکری نرسـیدیم که اختلافات را کنار بگذاریـم و در اصل قضیه با هم متحد شـویم. بگوییم این را چطور می‌توان پیش برد که بدون هزینه دادن بتوانیم با جریـان حاکم وارد مذاکره شـده و حقوق حقه خودمان را بگیریم. اتفاقاتی که امروز در سیستم تصمیم‌گیری در سـینما مثل نقاط عطفی چون جریان پروانه سـاخت و پروانه نمایش افتاده منجر به جلو آمدن دولت شـده است. وقتی نماینده کانون کارگردانان خودش سرخود از شورای پروانه ساخت استعفا می‌دهد بی‌آنکه این استعفا را به شورای کارگردانان تسـلیم کند، طبیعی است نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم کسانی که تعریف دیگری از روابط سینمایی دارند دنبال حقوق خودشان نروند. ما در خیلی از جهات دچار تعاریف غلط شـده‌ایم. یک جاهایی خیلی زیادی خودمان را در اپوزیسـیون احساس کردیم. مثل شرایطی که خانه سینما دچارش شده است و فکر کرده هویت خود را نه به عنوان یک جریان صنفی که باید فارغ از همه مسائل سیاسی باشد بلکه به عنوان یک دیدگاه بیاید تعریـف کند. خب وقتی به عنـوان یک دیدگاه یا جایگاهی که می‌توانند بهش وصله بچسبانند رفتار می‌کنی طبیعی است که بـا تو مقابله کننـد. ما قبل از هر چیزی باید تمام هم و غم‌مان این باشد که جریان صنفی را از جریان سیاست جدا کنیم. اگر این اتفاق نیفتد جریان صنفی به هیچ جا نمی‌رسد. بزرگ‌ترین لطمه‌ای کـه جریان صنفی خورده همیشـه از همین تفکرات سیاسی بوده است.

– به نظر من اتفاقاً خانه سـینما کاملاً دیدگاه سیاسی‌اش را جدا کرده و در هیچ ماجرای سیاسـی دخالتی نداشته یا هیچ بیانیه سیاسی را امضا نکرده است. این مسوولان دولتی هستند که به خانه سینما چنین نگاهی دارند.

پرتـوی: مـن ماجرا را یـک جور دیگر می‌بینـم. من حق را می‌دهـم به شـما یعنی معتقدم این ابتذالـی که گریبانگیر تهیه‌کنندگان شـده مال خود سینما یا فشار مالی نیست. این خواسته شده است. ما الان هم در هر جلسه پروانه ساخت دو فیلمنامه مردودی داریم؛ چیزی که در دوران آقای سـیف‌الله داد اصلاً برداشـته شد. چیزی که به شورای پخش واگذار شد. الان می‌گویند فیلمنامه‌تان تصویب نشـد. توسـط چه کسی؟ مـا هیچ نماینـده‌ای آنجا نداریم و چه بهتر کـه نداریم تا این سانسورها را اعمال نکنیم. این حذفیات را ما نکنیم. من جایی خواندم که یکی از مدیران دولتی گفته بود این ابتذال از دوران آقای خاتمی شـروع شـده. حق دارند. راسـت می‌گویند. چون در آن دوره یک چیزی شـروع شـد به نام آزادی. یا شـبه‌آزادی یا تمرین آزادی. در آن فضا دو تا فیلم در کنار هم می‌توانسـت مجال حیات پیدا کند؛ چه آنکه داشـت به سینمای گیشه‌ای و تجاری فکر می‌کرد و چه آن که درگیر سـینمای متعهد بود. این دو به موازات هم حق حیات داشـتند. اما الان جلوی آن سینمای مستقل، سینمایی که بهش مشکوکند که مبادا منظوری داشته باشد مبادا تفکری را بخواهد رواج دهد، گرفته شـده و نه، فقط بخندیم. یا فقط آرتیست بازی کنیم. نه‌تنها در سینما، ما می‌بینیم چیزی که به اسم رسانه‌های تصویری مد شده و در سوپرها عرضه می‌شود، افتضاح اسـت. به شـکلی عجیب و غریب این ابتذال در حدی وسیع دارد تکثیر می‌شود. یعنی دارند جریان اصلی سینما را از بین می‌برند. به خاطر همین من به این قضیه که دولت جدول اکران را در دست بگیرد به شدت مشکوکم؛ چیزی که ۲۰ سال پیش انجام می‌شد و هدف دولت هم از آن کار معلوم بود. الان هم همان وضعیت دارد شـکل می‌گیرد و آنقدر هم ترسـناک دارد شکل می‌گیرد که ما می‌بینیم فیلم مستندی که در هیچ دسـتور کاری برایش تکلیفی معین نشـده بود حالا به جایی رسـیده که برای نمایش بین‌المللی باید از دولت اجازه بگیرد. برایش مانع گذاشته‌اند. در صورتی که فیلم مستند فقط یعنی فروش. مسـتند درباره عشایر یا زعفران یا... فقط برای فروش اسـت و اینکه ارتباط برقرار شـود بین ما و دیگرانی که خارج از این مرزها زندگی می‌کنند. خب در چنین شـرایطی با همان مافیایی که آقای داودی بهش اشاره کرد و شرایط دیگـر ما که امکان اکران فیلم‌هایمان را نداریم پس سـعی می‌کنیم فروش خارجـی‌اش را تضمین کنیم اما حالا چه شـده؟ اینها هیچ کدام حمایت از سینما نیست. انگار دولت می‌گوید ما اجازه می‌دهیم کدام فیلم بفروشد کدام فیلم نه. اما هیچ کس نمی‌تواند دیدگاه مـرا عوض کنـد همان جـور که من نمی‌توانم دیدگاه کسی را عوض کنم. تـو به فلان فیلم اعتقاد داری، من هم به «هیچ» اعتقاد دارم. من جلوی کار تو را نمی‌گیـرم، اگر می‌توانی فیلمت را ببـر در بازار بین‌المللی بفروش ولی تو هم مزاحم کار من نشـو. در چنین شرایطی نمی‌توانیم بگوییم یک دولت بی‌گنـاه فقط نشسـته و دارد ما را نگاه می‌کنـد. ما خودمان مشـکل داریم. نه اینها همه برآیند عملکردی اسـت که خوب نیست. شـما ببینید چقدر تهیه‌کننده و کارگردان جوان وارد سـینما شده است. این برای این است که یک عده را حذف و یک عده را جایگزین کنند.

داودی: خـب واکنش شـما بـه عنوان کانـون کارگردانان چه بوده؟

پرتوی: من در این میزگرد نماینده کانون کارگردانان نیستم.

داودی: مـن هـم به عنوان خـودم آمدم ولـی بگذار یک توضیحـی بدهم. من لا اله قضیه را گفتم الا الله همان چیزی است که تو داری می‌گویی. من در واقع خواستم مثل همیشه یکباره شروع به نق زدن نکنیم. ببینیم اول از همه خودمان چه کردیم. در تمام این مسائلی که تو عنوان کردی من با تو موافقم یعنی اصلاً معتقد نیسـتم این دولت، دولت بی‌گناهی است یا این معاونت سـینمایی هیچ نظری مبنی بر حاکم کردن تلقی خودش از سـینما ندارد. قطعاً این جوری است. اگر غیر از این بود، معاونت سـینمایی منتخب صنف بود اما وقتی یک کسی از یک جایی گمارده می‌شـود یعنـی باید منویات یک جریان کلی را پیش ببرد. این دیگر برای ما روشن است. بنابراین بحث من دیدن مسائل از یک زاویه دیگر بود. مایی که در طول ۳۰ سال توانستیم شـرایط سینمای ایران را در برهه‌های مختلف پیش ببریم باید بدانیم چه می‌کنیم. یادمان باشد این جریانات یک بار دیگر در دوره‌های دیگر تکرار شـده یعنی ما همه این محدودیت‌ها را یک بار دیگر به اشـکال مختلف داشته‌ایم و از آنها گذر کرده‌ایم. و در بعضی از این محدودیت‌ها داریم به ۳۰ سال گذشته برمی‌گردیم. خب ذات اینکه یک دولتی می‌آید و به ۳۰ سال قبل برمی‌گردد از نظر من برای خود آن دولت تاسـف‌بار است. ۳۰ سال برمی‌گردند به عقب بی‌آنکـه تغییری در آن ایجـاد کنند. ببینید چرا ما به این شـرایط رسیدیم که از ترس یک عده مافیا به این حال و روز بیفتیم؟ ما خیلی سـر جریان آزاد سـینما دعوا کردیم. خدا بیامرزد از روزی که سـیف‌الله داد به خانه سینما آمد. من کنارش بودم و مرحله به مرحله این چیزها را در خانه سـینما شـکل دادیم که چگونه می‌شود دریچه‌ها را باز کرد تا بخارات و فشـارهایی که در جامعه می‌تواند به کجروی بینجامد کمی کنترل کرد و جریان تعالی سینما را قوت ببخشیم؛ جریانی از که درونش فکر و اندیشه بجوشد. وقتی شما آزادی می‌دهی در کنارش باید این را هم بپذیری که ممکن است یک عده‌ای از آن آزادی سوءاسـتفاده یا آن را مخدوش کنند. وقتی در شرایطی دچار شدیم که دوباره داریم برمی‌گردیم به همان نقطه آیا نباید عملکـرد خودمان را مورد ارزیابی قرار دهیم که چه کردیم که دوباره برگشـته‌ایم به همان جایی که بودیم؟ آیا واقعاً مسـائل و مشـکلاتی که در جریان سازمان‌یافته نظام سینمایی هست مربوط به این دولت اسـت؟ نه، این شـرایطی است که از ۲۰ سال پیش شکل گرفته. چرا آن پیش نرفته؟ چرا آن نتوانسته خودش را مسـتقل کند. چرا آن نتوانسته خودش را به نوعی قانونمندی برساند که آن قانونمندی بتواند در مرحله خودش را از اتهامات فارغ بکند. من هم مثل شـما کاملاً به این موضوع واقفم که خانه سینما در دو سال گذشته تلاش فوق تصوری کرد که هر گونه ابهام سیاسی را از خودش دور کند اما چرا هنوز این تصور و ذهنیت وجود دارد کـه در خانه سـینما یک عده با یک دیدگاه خاص بر سـر کارنـد. برای اینکه نظام صنفی نظام درسـتی نیست. نظامی اسـت که سالیان سـال قرار بوده درست شـود ولی یک عده نگذاشته‌اند. این عده هم فقط دولت نبودند. اگر نظام صنفی ما اصلاح می‌شـد شاید خیلی از اتفاقاتی که الان می‌افتـد نمی‌افتاد. مـا الان نماینده خود را در شـورای پروانه ساخت از دست می‌دهیم، هیچ اتفاقی هم نمی‌افتد. چون نظام منسجم و قدرتمندی وجود ندارد که حرفش را به کرسـی بنشاند و بگوید شما داریـد خلاف قانون رفتار می‌کنید و مانع ایجاد می‌کنید. اگر کمی منصفانه به قضیه نگاه کنیم من هم اگر در جریان حاکم بودم دنبـال تلقی خودم بـودم. و حالا ترجیح می‌دهـم به جـای اینکه فقط نـق بزنم، ببینم که خودم چه کوتاهی‌هایی کرده‌ام. وگرنه این چیزها خیلی روشن است. خود من که الان اینجا نشسـته‌ام در شـرایطی هستم که فیلمم در حالی که چند سیمرغ از خود این دوستان گرفته، پلاک زرین نگاه ملی را گرفته به دست خود این دوستان توقیف شده. یک سـال است که خودشـان فیلم را توقیف کردند و به آن پروانه نمی‌دهند. خب طبعاً اولین معترض این جریان خود من هستم.

پرتـوی: خب من باید همان سـوال خودتان را از خودتان بپرسم. شما چه کاری برایش کرده‌اید؟

داودی: من کاری را که به عنوان یک فرد می‌توانستم انجام دهم، کرده‌ام. گفتم این فیلم اگر سـرمایه‌گذارش حوزه هنری هست، نمی‌تواند به من کارگردان حقنه کند بیایم در اثری که همه مراحلش را به شـکل قانونی طی کرده‌ام تغییر ایجاد کنم. فیلمی که در مورد فیلمنامه‌اش به توافق رسیدیم، همه قوانین کشـوری و عرفی و شرعی را در ساختش لحاظ کرده‌ام ولی به صرف اینکه که یک جایی سـرمایه‌گذار هست، نمی‌توانم اجازه دهم فیلم را تغییر بدهد. در جایی می‌تواند این کار را بکند که نام مرا از اثر حذف کند. تا اینجا توانایی‌ام اجازه داده که ایستادگی کنم. آن هم فیلمی که دو سال مرحله پیش‌تولیدش طول کشیده و از هفت خوان مختلف رد شـده، در شـوراهای مختلف، حوزه هنری، فارابی و... مطرح شده و از سران حوزه گرفته تا بالاترین مقام سازمان تبلیغات اسلامی در جریان ریز این فیلم بوده‌اند.

– مشکل شاید خود شما بودید؟

داودی: خـب اگر خودم بودم در همان مرحله اول شـکل نمی‌گرفت. مساله این است: جریانی وجود ندارد که از یک تفکر مستقل دفاع کند. چگونه است که این اتفاق نمی‌افتد؟ چگونه است که ما به یکسری چیزها منتسب می‌شویم؟

– حرف‌های شـما کاملاً درسـت اسـت. شـما می‌گویید ما قانونمنـد رفتار کرده‌ایم اما مـن می‌گویم فضا فضای قانونمنـدی نبـوده که شـما بتوانید بر اسـاس آن رفتار کنید. به خاطر همین هم هسـت که شـما امروز با چنین مشـکلی مواجهید. مساله این است که اصلاً دولت اجازه نمی‌دهد شـما به عنـوان یک صنف رفتـار بکنید. تمام انرژی و فکر صنف سینما همیشه معطوف به این بوده که در این سنگلاخ به قول شما چطور حرکت کند در نتیجه هیچ وقت ثباتی وجود نداشـته که این صنف بتواند برای رسـیدن به حقوق حقه خودش به اتحاد برسد. سینما در این شـرایط همیشه مفعول بوده نه فاعل. و چون مفعول واقع شـده نمی‌تواند حرکتی از خودش داشته باشد. آن کسی که فاعل است تصمیم می‌گیرد این آشفتگی وجود داشته باشد یا نداشته باشد.

ببینید من با شـما موافقم، فقـط از یک منظر دیگر به این موضـوع نگاه کردم. یعنی از خودمان شـروع کـردم. قطعاً این چیزی که شما می‌گویید نه‌تنها در سینما بلکه در بقیه شرایط جامعه‌مان حکمفرما اسـت. اینکه ما در خیلی از موارد سـعی نکردیم، معنی‌اش این نیسـت که در بیرون هیچ مانعی نبوده و همه می‌خواستند ما به اتحاد برسیم ولی نرسیدیم. این رفتارها، رفتارهای ناشـی از شرایطی اسـت که وجود دارد. یعنی حتی رفتاری که آقای سـجادپور و شـمقدری در این برگشت نشان می‌دهند اصلاً چیز غیرقابل تصوری نیسـت. ناشی از شرایط و موقعیت جامعه ما است. مساله این است که ما چگونه می‌توانیم در برابر این شرایط از حقوق‌مان دفاع کنیم؟ شاید باورتان نشود ولی خیلی از دوستانی که فیلم مستقل می‌سازند از ماهیت طرح جدول‌بندی اکران اسـتقبال کرده‌اند یعنی در طول یک هفته گذشـته همه بحث‌های ما در این زمینه بوده است. چرا؟ چون فکر کردند این تنها مفری اسـت کـه می‌تواند در برابر مافیای سرمایه موافقت کند.

– خب این جوری چیزی می‌شود مثل ماجرای ده‌نمکی که دو گروه سینمایی به آن دادند و اخراجی‌ها را اکران کردند.

داودی: این دولت کرد؟

– پـس کـی کرد؟ اگر دربـاره الی اکران می‌شـد که این طور نمی‌شد.

داودی: نه آن شـرایطی که به وجود آمد شـرایطی بود که صنف در آن کاملاً دخیل بود یعنی نقش دولت به آن پررنگ نبود.

– ولی این سـاخته دولت بود که اخراجی‌ها با آن شرایط اکران شود.

داودی: بلـه خواسـته‌اش بود. اتفاقاً در جریـان اکران، فیلمی مثل اخراجی‌ها با آن پشتیبانی عظیم دولتی در ماه رمضان هم اکران می‌شد همان فروش را داشت. وقتی قاعده اکران را صنف از ۱۰ سـال پیش نوشـته و پای اجرایش هم ایستاده، چرا آنجا اجرا نکردند؟ چرا نتوانسـتند پایش بایستند؟ برای اینکه بخش عمده‌ای که سینماگران بودند خودشان می‌خواستند این اتفاق بیفتد چون به نفع‌شان بود. چرا باید فیلم مرا اکران کنند که به زعم آنها دو زار نمی‌فروشـد؟ مساله آنها این است که سینما به هر قیمتی شده پر شود. یعنی همه فکرشان این است که گیشه چطور جواب می‌دهد؟ شما نمی‌توانید بگویید همه‌اش خواست دولت بود. شـاید ما هم مقصر بودیم که آنجا نایستادیم بگوییم چرا قانونی که ۱۰ سال است دارد رعایت می‌شود یکدفعه اینجا از هم می‌پاشد. وزارت ارشاد در شورای صنفی یک نماینده بدون حق رای دارد. هنوز هم این جوری است. چرا نمایندگان ما که آنجا هسـتند اجازه می‌دهند این نماینده خواسته خودش را تا مرحله عمل پیش ببرد؟ من این را اشکال نماینده دولت نمی‌دانم. نماینده دولت دارد وظیفه‌اش را انجام می‌دهد. من این را اشکال نمایندگان صنفی می‌دانم. چرا این اتفاق افتاده؟ پس بخشی از این قضیه دارد توسط خودمان اتفاق می‌افتد.

نکته

وقتی نماینده کانون کارگردانان خودش سرخود از شورای پروانه ساخت استعفا می‌دهد بی‌آنکه این استعفا را به شورای کارگردانان تسلیم کند، طبیعی است نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم کسانی که تعریف دیگری از روابط سینمایی دارند دنبال حقوق خودشان نروند.
ما در خیلی از جهات دچار تعاریف غلط شده‌ایم. یک جاهایی خیلی زیادی خودمان را در اپوزیسیون احساس کردیم. مثل شرایطی که خانه سینما دچارش شده است و فکر کرده هویت خود را نه به عنوان یک جریان صنفی که باید فارغ از همه مسائل سیاسی باشد بلکه به عنوان یک دیدگاه بیاید تعریف کند.

سودوکو شماره ۱۰

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعـداد گفتـه می‌شـود که به عنوان یـک سـرگرمی رایج در نشـریات کشـورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هـر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

5					1			
7			6					3
	6	4		2				
	4		5				2	8
9	8						6	5
6	5				2		1	
				6		7	5	
8					7			9
			9					4

حل سودوکو شماره ۹

4	1	2	5	3	7	6	9	8
6	5	7	9	2	8	3	4	1
9	3	8	6	4	1	2	7	5
7	2	1	4	9	5	8	6	3
5	4	6	7	8	3	1	2	9
3	8	9	2	1	6	7	5	4
1	9	4	3	6	2	5	8	7
8	6	5	1	7	9	4	3	2
2	7	3	8	5	4	9	1	6

جدول شماره ۱۰۰۱

افقی

۱- مضاعف - سیاستمدار فرانسوی، تفنگی از اختراعاتش است که به نام خود اوست ۲- روستای دیدنی و تاریخی کاشـان - صلـح - اولین تبعیـدگاه ناپلئون ۳- حشـره پـرکار- بنـد و بسـت و صلاحدیـد - عدد روسـتا ۴- از بت‌های معروف جاهلیت - جمع رسـول - فهم و شـعور ۵- شرح اوستا - مثلث اسرارآمیز خیالی در ساحل شرقی امریـکا ۶- حقیقت‌بین - پرنده ماهی‌خوار حرام‌گوشـت ۷- ناپسند داشتن - میوه تنبل - هرچه نرم و سست باشد ۸- گل سـرخ- سفره‌خانه - از الفبای انگلیسی ۹- درخت انگور - از مصالح سـاختمانی - از نام‌های خانم‌ها به معنی گول‌زننده ۱۰- فاقد تازگی و جذابیت - از مقاطع تحصیلی ۱۱- فرهنگستان - ادیت ۱۲- پژوهش - مقابل مایع - توده متراکم بخار آب در هوای مجاور سطح زمین ۱۳- خمیدگی کاغذ - از شـهرهای شمالی - گونه، قسم ۱۴- ته دوزخ - ایوان - موج دریا ۱۵- نویسـنده از خود با این کلمه تعبیر کند - پولش از پارو بالا می‌رود.

عمودی

۱- پایتخت سـاحل عاج - نخسـت ۲- نیلی - ارزش، نرخ - فاقد تازگی و جذابیت ۳- چاه در گویش عرب‌ها - لقب مردان - حیله‌گر - شهر فرانسه ۴- علامت مفعول بی‌واسطه- مذهب اکثر ایرانیان - دستیار ۵- ضمیری عربی - بی‌دنبال، دم بریده - بی‌سواد - حرف فاصله ۶- مکانی برای ارائه خدمات بهداشتی و درمانی - مرکز استانی سرسبز - قطار ۷- کشوری در غرب عراق - خالی - عنوانی برای بزرگی قبل از اسم فرد ۸- تجمع چرکی در موضعی از بدن - سازی که تنظیم شده و آهنـگ مطلـوب دارد - جلادهنده کفـش ۹- رویین تن یونان - بابا - اشاره ۱۰- حیوانی پستاندار، نشخوارکننده- شورش - صبور ۱۱- شکوه‌گوی جدایی‌ها - پاسخ مثبت در شیراز - پیمان اقتصادی کشورهای امریکای شمالی و مرکزی - یکی از خدایان بابل ۱۲- قاتل - در شعر همراه قافیه می‌آید - نیم‌تنه معروف ۱۳- تصدیق آلمانی - شیوه کار یـا رفتار - خیس ترکی - خواب عرب ۱۴- عاشـق شدن - رنگ آرامش - توهین‌آمیز ۱۵- رمانی مشهور از دافنه دو موریه - به جا آوردن پیمان دوستی.

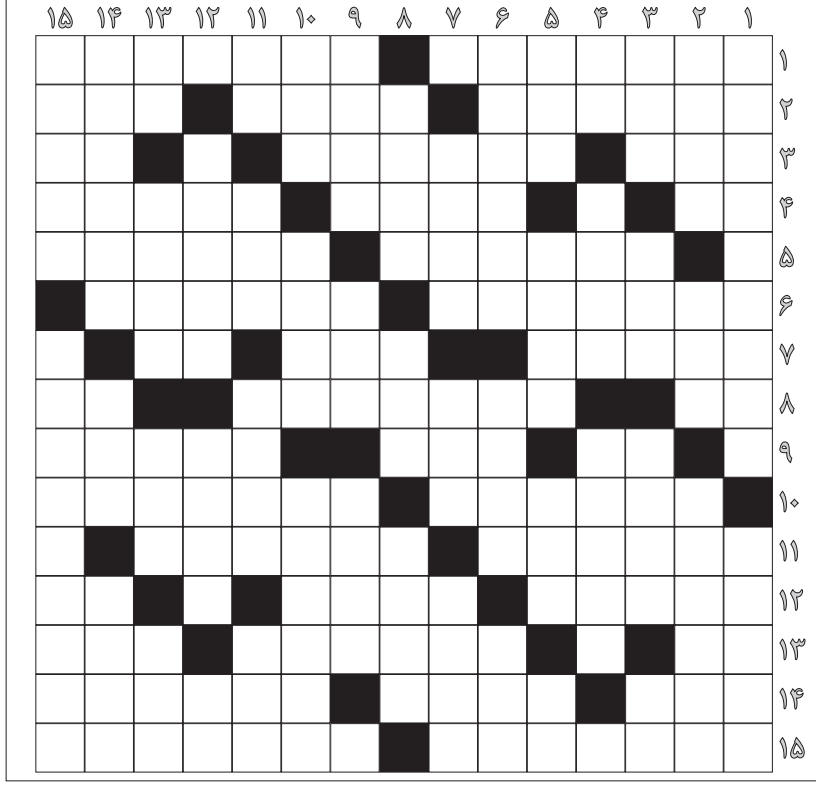

حل جدول شماره ۱۰۰۰

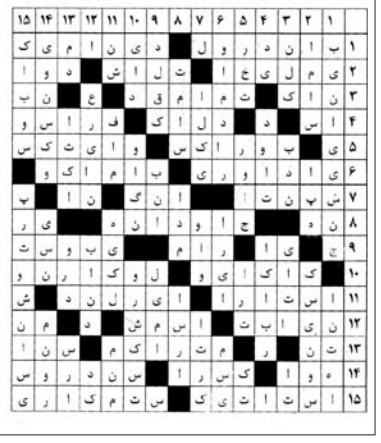

تورهای طبیعت گردی ایرانگردی
مسکو،سن پترزبورگ (ویژه شب های سفید)، مالزی، سنگاپور، تایلند
استانبول، سواحل ترکیه، سواحل خلیج فارس، چین، هند، یونان،
کاشان، کویر، کرمان، شیراز، اصفهان ،مشهد، یزد، قشم
تور دور اروپا زمینی
پارسیان مهرگشت ۸۸۸۴۹۹۷۵-۸۸۸۱۱۷۴۶

مـالـزی سنگـاپور
اگر به کیفیت عالی می اندیشید
چیـــن
۱۲ روزه
پکن، شانگهای، هانگزو
لبنان و سوریه
پرداخت کلیه ورودیه ها
گشتهای کامل روزانه با نهار
هتل های ۴ و ۵ ستاره، سیم کارت رایگان
فطرس
مجری مستقیم ۸۸۸ ۹۹ ۱۱۱